



بهترین تجلیل از «رهبر»، تأکید بر تداوم اندیشه و آرمان اوست!

در گرامیداشت از بیست و هشتمین سالگرد جاودانگی زنده یاد «قیوم رهبر»



تاریخ جوامع بشری بر بستر تضاد طبقات، تاریخ مبارزه طبقاتی و تکامل تاریخی رو به رشد جامعه بر بنیاد این مبارزه بوده است. مبارزه طبقاتی نیز در اشکال مبارزه سیاسی، اقتصادی و فکری بین طبقات متخاصم و نمایندگان سیاسی آن ها جریان داشته است. شکل عمده مبارزه طبقاتی، مبارزه سیاسی است. مبارزه طبقاتی با ایجاد مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و ثروت اجتماعی و بالتبع تقسیم جامعه به طبقات استثمارگر و استثمارشونده آغاز شد. سراسر پهنه تاریخ - از آغاز دوران باستان تا این دم - مشحون از ستیز طبقاتی در اشکال (شورش برده ها، جنبش های دهقانی و مبارزات کارگری) بوده است. در اکثر موارد، این مبارزات ستمکشان به دلیل خود به خودی بودن؛ عدم تدارک کافی زمینه های فکری؛ فقدان اندیشه

های رهنمونی، نبود اهداف مشخص روشن و ابزار مبارزاتی ناکامل و نیازموده؛ راه به جایی نبرده و زنجیر را از دست و پای ستمکشان برنداشته است.

در این میان نقش رهگشایان و نظریه پردازان خط دهنده جنبش های سیاسی - اجتماعی ستمکشان در امر جمع بندی تجارب قبلی، تدارک فکری زمینه های تغییر و پیشروی، برشمردن عوامل ناکامی ها و کامگاری ها، اشکال و ابزار مبارزه و تشکل یابی طبقات ستمکش من حیث یک ضرورت برجسته می شود. تدارک ابزار و اشکال انسجام طبقاتی زحمتکشان بر زمینه شرایط مساعد عینی توسط پیشتانان انقلابی، رمز موفقیت طبقات ستمکش و نیرو های پیشرو در امر ایجاد جامعه نوین عاری از ستم طبقات حاکم ستمگر و استعمار و امپریالیسم، شمرده می شود...

کشور ما افغانستان تاریخ شورانگیزی دارد که در صفحات آن سخت کوشی، مبارزات حماسی و تسلیم ناپذیری خلق ما می درخشد. تاریخ جنبش انقلابی و مترقی کشور ما در فصلی از این تاریخ مبارزاتی خلق مبارز ما، جایگاه ویژه ای دارد. این تاریخ شکوهمند سرشار از رهگشایی، پیشتازی، حماسه آفرینی، جانبازی، ایثار و استواری در نبرد طبقاتی و رهائیبخش خلق سلحشور و انقلابیون پاکباز کشور ما است. در هر مقطع تاریخی بنا بر نیاز رهبری همان مقطع، رهبران و رهگشایان جانباز و مبارزی از دامان مبارزات خلق زحمتکش راهی میادین رزم طبقاتی و ضد استعماری خلق به پا خاسته کشور ما شده اند. کارنامه های مبارزاتی فردی و جمعی آنان در صفحات زرین مبارزات مردمی و انقلابی خلق ستمکش اما مقاوم افغانستان، درخشان است.

در این میان، سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) به مثابه گردان ادامه دهنده پیشآهنگ انقلابی طبقه کارگر و سائر زحمتکشان کشور، تاریخ ۳۹ ساله آکنده از کارنامه های مبارزاتی توأم با افت و خیزها و پیروزیها و شکستها داشته و رهبران و کادرهای انقلابی خبره، مدبر، نامدار، استوار و ادامه کاری را برای طلایه داری مبارزات انقلابی و آزادیبخش خلق ستمدیده افغانستان به پیکارگاه فرستاده است.

زنده یاد «رهبر» یکی از آن طلایه داران سامائی بود که پس از مجید بزرگ، تأثیرگذارترین، استوارترین، مدبرترین، ادامه کارترین و ماندگارترین شخصیت در تاریخ «ساما» و در میان رهبران آن از بدو تأسیس تا کنون شمرده می شود. هنوز هم پس از ۲۸ سال از فقدان، نقش گام های متین او به رغم وزش تندباد های خزانی و ازدحام حوادث بی شمار، در مسیرت انقلاب کشور نمایان است. «رهبر» علاوه بر سهم گیری در مبارزات عملی، انسانی بود تا آخر مولد و همواره می اندیشید و خلاقیت فکری داشت. ارثیه فکری «رهبر» که هر یکی در مقطعی بنا بر نیاز همان مقطع زمانی به منظور روشنگری و رهگشائی و برای تغییر اوضاع و شرایط حاکم در پرتو اندیشه پیشرو عصر خلق شده، در کلیت اش گنجینه گرانبهائی از افکار رهنمونی انطباقی ایست که تا امروز و فرداها برای راهیان راه، جویندگان آزادی و نجات محرومان جامعه ما رهنما و هدایتگر اند.

در جانب دیگر، استعمار و امپریالیسم مزید بر بهره گیری از ابزار نرم و ظریف (سرمایه مالی؛ ابزار و روش های سیاسی، ایدئولوژیک، فرهنگی، اطلاعاتی، روانی؛ ارتجاع مذهبی؛ رسانه ها و... برای اغواگری و شکل دادن ذهنیتها) بابت گسترش سلطه و سروری اش بر جهان؛ از روش های خشن توحش، ترور و سرکوب با سخت ابزار نظامی نیز برای رفع موانع و خورد کردن بدیل های مقابلش، بهره می جوید. امپریالیسم با منطق و تفرعن استعماری اش، در تبنائی با ارتجاع همسرشتش برای ضربت زدن به جنبشها و جریان های مترقی و رهائیبخش، سینه ستبر شخصیت های پیشتاز، رهگشا و تأثیرگذار آن را آماج تیر کین زهرآلود خود قرار می دهد. ترور شخصیت براننده انقلابی کشور، رهبر بی بدیل «ساما» «قیوم رهبر» در حیات آباد پیشاور پاکستان در هفتم دلو (۱۳۶۸)، ش در راستای رفع موانع تبنائی امپریالیستی - ارتجاعی در پیآمد شکست و فرار روس متجاوز؛ یکی از هزاران مصداق این روش و کنش استعمار و امپریالیسم در برابر جنبش های ملی، مردمی و مترقی خصم استعمار و ارتجاع؛ محسوب می شود.

اما به رغم منطق پوک امپریالیسم و ارتجاع هار؛ در تاریخ، این جنبشها و جریان های مردمی اند که اصل و منبع آفرینش و خلاقیت اند. شخصیت های براننده، پیشگام و رهگشا بر حسب نیاز تاریخی هر مقطع، در دامان آن جنبشها زاده و پرورده شده و به مقام طلایه داری می رسند. کاروان انقلاب با رهنمائی کاروان سالاران مدبری پیوسته به پیش می تازد. در جریان این پیشروی کاروانسالارانی از پا می افتند، ساربانان و کاروانیانی از پا می مانند، عده ئی کاروان را رهبری و همراهی نمی کنند، برخیها مسخ می شوند، کاروانسالارانی به دزدان کمین کرده در دو سوی راه چراغ سبز نشان می دهند و یا با دزدان سرگردنه به قصد تسلیم داشته های کاروان، دمساز می شوند؛ اما به رغم این همه آماج تیر شدن ها، پشت کردن ها و دستبرد زدن ها، کاروان پیش رونده درنگ نمی پذیرد و ساربانانی نهیب می کشند و با بانگ جرس کاروان را منزل به منزل تا سرمنزله مقصود هدایت می کنند. این اصل در مورد «ساما» نیز پس از ترور «رهبر» ممتاز و فرهیخته اش، مصداق خود را داشته است.

حدود چهار دهه می شود که مردم ما در شعله های سرکش آتشی می سوزند که امپریالیست های اشغالگر روس، امریکا و ناتو و دار و دسته های مرتجع و مزدور بومی و منطقه ئی با جنگ های تجاوزکارانه امپریالیستی و ارتجاعی در کشور ما افروخته اند. این جنگ تحمیلی اشغالگران امپریالیسم (به همیاری ارتجاع بومی)، به اشکال مختلف از میلیون ها تن از مردم ما قربانی گرفته و ساحت کشور ما را ویران کرده است و هنوز پایانی برای آن متصور نیست.

طی این مدت استیلاء، تباری و ترور امپریالیستی - ارتجاعی در کشور ما، ضربات وارده کاری و مرگبار بر پیکر نحیف ظرفیت های انقلابی و مردمی، جنبش انقلابی را در کوتاه مدت به حاشیه و حالت فتور رانده و مبارزات توده های به پاخاسته را به کجراه و انحراف کشانیده و ثمره آن را در ربوده است. اما به رغم این فتور و حاکم شدن فضای ترور، اختناق و سرکوب انقلابیون و آزادیخواهان کشور ما توسط امپریالیست های اشغالگر و ارتجاع خونریز منطقه و بومی؛ فوران خشم و انزجار بحق مردم در مقابل اشغالگر و ایادی مرتجع اش بر محور آشتی ناپذیری منافع و تضاد اساسی و عمده، در اشکال و با ذرایع مختلف در کشور ما مشهود بوده است. به راه انداختن موج ترور، سرکوب، ستمگری و استثمار توسط ستمگران بیرونی و بومی، آتش خشم مردم را ما برافروخته و روحیه انتقامجوئی آنان را برانگیخته است. بر این زمینه، تضاد و تقابل مردم ما و کلیه نیروهای ملی - انقلابی کشور با امپریالیسم و ارتجاع حاکم از عینیت برخوردار بوده و مضمون انقلابی و آزادی خواهانه در جهت رهائی ملی و اجتماعی خلق تحت ستم کشور دارد.

زنده یاد "قیوم رهبر" اندیشمندی انقلابی و آرمانگرا بود. برای او اندیشه انقلابی سلاح برنده ای بود که می توانست برای پاره کردن زنجیر های بردگی و برداشتن آن از دست و پای ستمکشان و محرومان جامعه مورد استفاده قرار گیرد. آرمان انقلابی او نیز همانا زیستن محرومان و «دوزخیان» در جامعه ای بود که در آن همه کس کار کند و در عین رفاه و آسایش انسان های مولد؛ از ستم و استثمار انسان بر انسان، از امپریالیسم، از ارتجاع خبری نباشد. "رهبر" تحقق این مأمول و ایده آل را عبور از مسیرت انقلاب می دانست و انقلاب را هم کار توده های میلیونی تحت ستم و استثمار، مشروط بر این که پیشاهنگش درفش اندیشه انقلابی را در پیشاپیش ستون های انقلاب برافرازد و ابزار انقلابی و سلاح های سه گانه خلق را به کار گیرد تا به آن سرزمین همیشه بهار آزادی برسد.

در موقعیت مستعمراتی، ابر و خونین کشور و خلق دربند افغانستان، تدارک و رزمیدن برای طرد انقلابی امپریالیسم اشغالگر و سپس واژگونی ارتجاع؛ از مبرمیت و ارجحیت حیاتی برخوردار است. پرداختن به این امر سترگ، در عین حال ایده آل "رهبر" و کلیه جانبازان و جانباختگان گردان های جنبش انقلابی کشور نیز بوده است، ایده آلی که تا هنوز تحقق نیافته است. بناءً، شایسته ترین تجلیل و تکریم از پیشاهنگان انقلابی خلق از جمله زنده یاد "رهبر" در عین ادای دین میهنی و انقلابی راهیان استوار و متعهد کنونی راه؛ عبارت است از توحید و انسجام پیشاهنگ، کار برای آگاهانیدن، انسجام و بسیج توده های میلیونی خلق ستمکش، تدارک سه سلاح انقلاب و کاربرد آن برای وقوع تغییرات انقلابی و رزمیدن در راه تحقق اهداف انقلابی فوق که "رهبر" عمری برای آن رزمید و اندیشید و تا آخر بر سر آن تعهد و ایده آل ایستاد و وفادار ماند. آری، چنین است تجلیل شایسته از رهبران و رهروان استوار راه آزادی و انقلاب کشور!

گرامی باد یاد رهبر و درخشان باد اندیشه و آرمان انقلابی اش!

مستدام باد راه جانبازان و جانباختگان انقلابی!

مرگ و نفرین بر قاتلان آنان!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۷ دلو ۱۳۹۶ش/ ۲۷ جنوری ۲۰۱۸ م